



روایت پولیتیکو از نبرد آشکار حامیان «اول آمریکا» و نومحافظه کاران بر سر ایران

ترامپ در اردوگاه «ماگا» می ماند؟

آمریکا

یک گروه بانفوذ از تندروهای جمهوری خواه، کارزار پشت‌پرده‌ای را آغاز کرده‌اند تا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده را نه تنها از پیگیری توافق هسته‌ای با ایران منصرف کنند، بلکه او را ترغیب کنند تا با ماجراجویی اسرائیل علیه ایران موافقت کند.

این کارزار باعث نگرانی در میان ترامپ و متحدانش شده، تا جایی که آنها نیز کارزار متقابلی را برای حفظ روند دیپلماسی آغاز کرده‌اند.

چهارشنبه گذشته در یک مراسم خصوصی ناهار در کاخ سفید، مارک لوین، مجری محافظه‌کار رادیو و تلویزیون به ترامپ گفت که ایران تنها چند روز با ساخت سلاح هسته‌ای فاصله دارد؛ ادعایی که دستگاه اطلاعاتی دولت ترامپ آن را نادرست می‌داند. به گفته یکی از مقامات اطلاعاتی و یکی از متحدان نزدیک ترامپ، لوین دهنده‌ای که ترامپ پیش‌تر به بنیامین نتانیاهو گفته بود می‌تواند دیپلماسی را نابود کند.

لوین همچنین در فضای عمومی کارزاری علیه استیو ویتکاف، دوست دربرنه ترامپ و فرستاده ویژه او که مسئول مذاکرات هسته‌ای است به راه انداخته. در این دیدار، ایک پرلموتر، سرمایه‌دار بزرگ جمهوری‌خواه و مدیر پیشین مارول که رابطه نزدیکی با ویتکاف دارد، به همراه خود ویتکاف نیز در این جلسه حضور داشت.

ماگا علیه مرداک

در جبهه‌ای دیگر، وفاداران به جنبش MAGA (مخفف شعار عظمت را به آمریکا بازگردانیم که راهبرد جنبش «اول آمریکا» است) با نگرانی به رسانه‌های روپرت مرداک می‌نگرند. این رسانه‌ها به شدت از ویتکاف انتقاد کرده و حتی او را به «سختگویی قطر» متهم کرده‌اند. این ادعاها برخی از اعضای نزدیک به ترامپ را خشمگین کرده، چراکه آنها این اتهامات را تلاشی برای تضعیف مذاکرات می‌دانند. در همین حال، مرداک در محافل خصوصی نیز از تلاش‌های ویتکاف ابراز ناراضیاتی کرده است. یکی از مقامات ارشد دولت به پولیتیکو گفت: «آنها دارند رئیس‌جمهوری را تحت فشار قرار می‌دهند تا تصمیمی بگیرد که خودش نمی‌خواهد.»

این فشارها باعث شده که کارزار ماهانگی برای دفاع از موضع دیپلماتیک ترامپ و ویتکاف شکل بگیرد. ساعاتی پس از جلسه لوین با ترامپ، تاکر کارلسون که ظاهر از جزئیات جلسه مطلع شده بود، در شبکه اجتماعی ایکس به لوین تلافی داد و او را به تلاش برای کساندن آمریکا به جنگ متهم کرد.

کارلسون نوشت: «هیچ گزارش اطلاعاتی موثقی وجود ندارد که نشان دهد ایران حتی نزدیک به ساخت بمب است یا قصدی برای آن دارد. پس چرا مارک لوین باز هم دارد درباره سلاح‌های

کشتار جمعی فریاد می‌زند؟ چون هدف واقعی او چیز دیگری است.»

ترامپ در میان کشمکش

این لابی‌گری‌های پشت‌پرده و حملات رسانه‌ای، شکاف عمیقی را در حزب جمهوری‌خواه درباره سیاست خارجی آمریکا آن هم تنها چند ماه پس از آغاز اولین دور ریاست‌جمهوری ترامپ به نمایش گذاشته است. در حالی که بسیاری از جمهوری‌خواهان تندرو به تلاش‌های دیپلماتیک ویتکاف با دیده تردید نگاه می‌کنند، جناح میانه‌روتر حزب بر کاهش تنش‌ها با تهران تأکید دارد.

ترامپ که با وعده پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان آمریکا در جهان به قدرت رسید، اکنون در میانه این کشمکش قرار گرفته است. برخی متحدان ترامپ بر این باورند که او بر موضع خود ایستاده و حتی فشارهای اخیر باعث ناراحتی او شده است.

یکی از نزدیکان قدیمی ترامپ گفت: «لوین و مرداک دائم در گوش ترامپ هستند اما من فکرمی‌کنم دارند به ضرر خودشان کار می‌کنند. چون من ترامپ را می‌شناسم؛ وقتی تصمیمی را گرفت، دیگر اگر بخواهی زور بزنی، بیشتر لج می‌کند.»

کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید به پولیتیکو گفت: «رئیس‌جمهوری همیشه حاضر است به طیف گسترده‌ای از نظرات گوش دهد اما در نهایت، تصمیم نهایی را خودش می‌گیرد.»

هرچند هر دو جناح معمولاً مواضع خود را در قالب دوگانه‌ای از «توافق یا اقدام نظامی» ارائه می‌دهند اما واقعیت پیچیده‌تر از این هاست. در مورد طرفداران نظامی گری، بسیاری از کارشناسان نظامی و هسته‌ای معتقدند که چنین اقدامی از سوی آمریکا و اسرائیل احتمالاً فقط به‌طور موقت برنامه ایران را عقب خواهد انداخت، نه اینکه آن را به‌کلی نابود کند. در همین حال، برخی از چهره‌های شناخته‌شده جنبش MAGA، مانند چارلی کرک و جک پوسیبیک، با استفاده از تریبون‌های عمومی خود از مسیر دیپلماسی دفاع می‌کنند. آنها ترامپ را تشویق می‌کنند که مذاکرات را ادامه دهد و در برابر چیزی که آن را «لغزش تدریجی به سوی جنگ با رهبری اسرائیل» می‌دانند، مقاومت کند.

ونس وارد می‌شود

جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری و شاید بانفوذترین رهبر جناح ضد جنگ حزب جمهوری‌خواه که ارتباط نزدیکی با بسیاری از فعالان آنلاین MAGA دارد-نیز وارد میدان شده. او درست پس از دیدار لوین با ترامپ، در یادگستی با تتووان، به دفاع از ویتکاف پرداخت. ویتکاف به تازگی پیشنهادی به ایران ارائه داده که طبق آن، تهران می‌تواند به غنی‌سازی اورانیوم در سطح پایین ادامه دهد، اما در نهایت بخشی از یک کنسرسیوم منطقه‌ای غنی‌سازی شود. ایران به روشنی اعلام کرده که غنی‌سازی در

داخل کشور را کنار نخواهد گذاشت. بنابراین، ویتکاف در تلاش است با ارائه راه‌حلی این فاصله را پر کند.

ویتکاف قرار است روز جمعه یا یکشنبه با وزیر امور خارجه ایران، عباس عراقچی، برای ششمین دور مذاکرات دیدار کند. طرفداران تشدید فشار بر ایران می‌گویند این بهترین فرصت در سال‌های اخیر برای اقدام علیه ایران است. مارک دویوبویترز، مدیرعامل اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و منتقد سرسخت ایران گفت که این مباحث علنی، تصور آمادگی آمریکا برای اقدام با حمایت از اسرائیل را تضعیف کرده است.

در میان متحدان ترامپ و مقاماتی که از اقدام نظامی پرهیز دارند، گزارش‌هایی در برخی رسانه‌های محافظه‌کار دیده می‌شود که در حفا آنها را ساخته و پرداخته جریان‌های تندرو حامی اسرائیل می‌دانند. این مقامات بیشتر هفته گذشته را صرف بی‌اعتبارسازی گزارشی از فاکس نیوز درباره گزارش یک آژانس اطلاعاتی اتریشی کرده‌اند که مدعی بود ایران برنامه گسترده‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای و سلطه منطقه‌ای دارد.

این صف‌آرایی‌ها در پی ارزیابی تازه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز انجام شده است که ادعا کرده تهران طی سه ماه گذشته ذخایر در سطح پایین ادامه دهد، اما در نهایت بخشی افزایش داده است. به گفته مقامات آمریکایی، دستگاه اطلاعاتی



تحلیل اندیشکده استیمسون

از روند تاریخی مطالبه تهران

برای غنی‌سازی داخلی

بدقولی‌های غرب

ایران را بی‌اعتماد

کرده است

اما این توافق به دلیل عمل نکردن به این قول و فشار تحریم‌های غرب شکست خورد و ایران خود اقدام به تولید سوخت ۲۰ درصدی کرد. در نهایت، مذاکرات به توافقی بزرگ‌تر در سال ۲۰۱۵ انجامید: «برجام» یا برنامه جامع اقدام مشترک. ایران بخش عمده‌ای از ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را از کشور خارج کرد، سطح غنی‌سازی را به حد مورد نیاز برای سوخت نیروگاهی کاهش داد و با نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافقت کرد. ایران به تعهداتش پایبند ماند، اما آمریکا با روی کار آمدن دولت ترامپ از برجام خارج شد و دوباره تحریم‌های سختی را اعمال کرد. ترامپ در

کریستین روتلر

دور دوم ریاست‌جمهوری خود ظاهراً مایل به دستیابی به توافقی جدید است، اما اظهارات متناقض او و مشاورانش باعث سردرگمی درباره خواسته واقعی آمریکا از ایران شده است. ایران اما موضع خود را تغییر نداده است؛ بدون غنی‌سازی داخلی، توافقی در کار نخواهد بود. ایران بار دیگر آمادگی دارد که ذخایر اورانیوم-این بار با غنای نزدیک به سطح تسلیحاتی- را از کشور خارج کند و سطح غنی‌سازی آتی را محدود سازد و با بازرسان آژانس همکاری کند. همچنین، به نظر می‌رسد ایران با ایجاد یک کنسرسیوم چندملیتی برای غنی‌سازی-که نیازهای هسته‌ای غیرنظامی سایر کشورهای منطقه را تأمین

ترامپ چه می‌کند؟

اما یک عامل بزرگ نامشخص در این میان وجود دارد: افراد در هر دو سوی این منازعه نمی‌دانند ترامپ در نهایت چه تصمیمی خواهد گرفت. یکی از منابع اشاره کرد که ترامپ آن‌قدر بر مواضعش پافشاری کرده که مایکل ولتز، مشاور امنیت ملی اش را-که با اسرائیلی‌ها در حال هماهنگی درباره اقدام علیه ایران بود- برکنار کرده است.

یکی از افراد نزدیک به مذاکرات گفت: «[ترامپ] واقعاً محکم پشت خواسته‌هایش ایستاده و اجازه داده ویتکاف کارش را بکند. اما بسته به اینکه با چه کسی صحبت کند، ممکن است کمی عقب‌نشینی کند یا جلو برود.»

مارک لوین از جناح تندروها در یکی از برنامه‌های اخیرش گفت: «خبر خوب این است که دونالد ترامپ انزوگرا (راهبرد سیاست خارجی برگرفته از دکتربین مونترو) نیست. او یمن را بمباران کرده و آنچه را که باید انجام داده است. اما تفکر انزوگرایانه همچنان سعی دارد بر او فشار بیاورد.»

به یک معنا، این کشمکش میان آمریکا و اسرائیل ماه‌هاست که ادامه دارد. اسرائیل در محافل خصوصی بارها از دولت آمریکا خواسته تا برای عملیات علیه تأسیسات هسته‌ای ایران به آنها بپیوندد اما ترامپ تاکنون این فشار را خنثی کرده است. وقتی رون دمر، وزیر امور راهبردی اسرائیل و از نزدیکان نتانیاهو، اوایل ماه مه به واشنگتن آمد، ترامپ از او خواست که جلوی هرگونه ماجراجویی اسرائیل علیه ایران را در زمانی که ترامپ در سفر خاورمیانه

است، بگیرد. به گفته یکی از متحدان ترامپ و یکی از مقامات آمریکایی مطلع از مذاکرات، رئیس‌جمهوری در اواخر ماه مه بار دیگر این درخواست را تکرار کرد. تصمیم ترامپ به ترجیح دیپلماسی بر اقدام نظامی- دست‌کم در حال حاضر-همچنین نشان‌دهنده شکاف فزاینده بین واشنگتن و اسرائیل است. اقدامات شدیداً حامی اسرائیل ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش-از جمله به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، انتقال سفارت آمریکا به آنجا، شناسایی حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان و توافقات‌های ابراهیم- برای او در برابر حملات و انتقادهای احتمالی از سوی نتانیاهو یا دیگران پوشش سیاسی ایجاد کرده است. اما اکنون این دو متحد نزدیک بر سر ایران اختلاف دارند. پیش از این اختلاف در راهبرد نیز، اسرائیلی‌ها از پایان کمپین آمریکا علیه جونی‌های مورد حمایت ایران بدون اطلاع‌رسانی به آنها و همچنین عبور ترامپ از اسرائیل در سفر منطقه‌ای اخیرش، ابراز ناراضیاتی کرده بودند.

یکی از متحدان قدیمی ترامپ گفت: «رئیس‌جمهوری قصد ندارد از جنگ حمایت کند... اما به شما می‌گویم این آدم‌ها دست‌بردار نیستند. این همان دلیلی است که باعث شکاف در رابطه بین بی‌بی (نتانیاهو) و رئیس‌جمهوری ترامپ شده... اسرائیل فضا را درست درک نکرده است. جنبش ماگا از عملیات نظامی حمایت نمی‌کند.»

منبع: Politico

کند-مخالفتی نداشته باشد اما در این میان، غنی‌سازی داخلی را متوقف نخواهد کرد. سبنا عضدی، استاد علوم سیاسی خاورمیانه در دانشگاه جورج واشنگتن گفت: «ایران به دلایل تاریخی و ملی‌گرایانه بر غنی‌سازی اصرار دارد.» عضدی افزود: «تجربه ایران این بوده که اروپا و جامعه جهانی به آنها سوخت نمی‌دهند، بنابراین متوجه شدند که باید خودشان این کار را انجام دهند. همچنین آنها معتقدند که غنی‌سازی و بازقرآوری، مسأله‌ای مربوط به حاکمیت و شأن ملی است.» همان‌طور که برجام نشان داد، برای اطمینان از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، لزوماً نیازی به توقف کامل غنی‌سازی نیست. اعمال محدودیت‌های قابل‌راستی‌آزمایی کافی است، بویژه اگر ایران سطح نظارت آژانس را بازگرداند.

ایرانی‌ها بارها به آنچه که «استاندارد دوگانه» آژانس می‌نامند اعتراض کرده‌اند؛ اینکه آمریکا ایران را تحریم می‌کند، اما هند و اسرائیل را به‌عنوان قدرت‌های هسته‌ای می‌پذیرد، در حالی که هیچ‌کدام عضو NPT نیستند و اسرائیل حتی هرگز رسماً داشتن سلاح هسته‌ای را نپذیرفته است. ایران بارها اعلام کرده قصد ساخت بمب را ندارد. در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۶، علی لاریجانی، مشاور وقت امنیت ملی ایران، گفت: «اگر آمریکایی‌ها واقعاً نگران NPT هستند، چرا با هند که سلاح ساخته، همکاری می‌کنند؟» کمال خرازی، وزیر خارجه پیشین ایران که همچنان مشاور رهبر عالی ایران است، نیز اظهار بار دیگر آمادگی دارد که ذخایر اورانیوم-این بار با غنای نزدیک به سطح تسلیحاتی- را از کشور خارج کند و سطح غنی‌سازی آتی را محدود سازد و با بازرسان آژانس همکاری کند. همچنین، به نظر می‌رسد ایران با ایجاد یک کنسرسیوم چندملیتی برای غنی‌سازی-که نیازهای هسته‌ای هولنداک‌تر خواهند بود.

همان‌طور که برجام

نشان داد،

برای اطمینان

از صلح‌آمیز

بودن برنامه

هسته‌ای

ایران، لزوماً

نیازی به

توقف کامل

غنی‌سازی

نیست. اعمال

محدودیت‌های

قابل

راستی‌آزمایی

کافی است،

بویژه اگر ایران

سطح نظارت

آژانس را

بازگرداند

جهان

بدون روتوش



محمدحسن فایزی

کارشناس مسائل فلسطین

صهیونیست‌ها: ما

همیشه تنها و طلبکاریم!

آش جنایت در غزه به قدری شور شده است که بریتانیا که یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح پس از ۷ اکتبر در کنار آمریکایی‌ها بوده، دو وزیر نتانیاهو یعنی اسموتریچ و بن‌گویبر را تحریم کرد. تصمیم مشترک بریتانیا، کانادا، نروژ، نیوزیلند و استرالیا در تحریم اسموتریچ و بن‌گویبر به دلیل مواضع شفاف آن دو وزیر تندرو اسرائیلی در خصوص لزوم اشغال کل فلسطین و نابودی و حمایت از نسل‌کشی مردم غزه است.

اما از آن جالب‌تر سخنان اسموتریچ در واکنش به تحریم شدنش است، او گفته است: «بریتانیا یک بار سعی کرد مانع از استقرار ما در وطنمان شود و ما دیگر اجازه این کار را نخواهیم داد. ما مصمم به ساختن هستیم.»

منظور اسموتریچ از «مانع‌سازی بریتانیا» به داستان درگیری‌های میان پلیس و ارتش بریتانیا با گروه‌های تروریستی یهودی در دوران قیمومت بریتانیا در فلسطین پیش از اعلام شکل‌گیری جعلی رژیم صهیونیستی بر می‌گردد.

این در حالی است که همه می‌دانیم بریتانیا در دوران قیمومت با مقدمه سازی، آغاز رشد یک غده سرطانی بزرگ و سیری‌ناپذیری را با حمایت ایجاد شبه‌ارتش، کمک به مهاجرت یهودی‌های جهان و سرکوب انقلاب فلسطینی‌ها پایه‌گذاری کرد. اما اینجا اسموتریچ به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا بریتانیا از زمان تا کنون با آنها دشمن بوده است.

این نوع روایت‌سازی در ادبیات صهیونیست‌ها بسیار پر تکرار است. روایتی که یک نقطه ثقل دارد و آن این است که ما همیشه در جهان تنها بودیم و خودمان باید از خودمان دفاع کنیم. راهبردی که بارها از سوی نتانیاهو در یک سال اخیر در مقابل اعتراضات جهانی و سازمان‌ها نسبت به نسل‌کشی بزرگ آنها در غزه تکرار شده است. یا به‌طور مثال ساعر وزیرخارجه اسرائیل پس از کشته شدن دو عضو سفارت اسرائیل در آمریکا توسط الیاس رودریگز در سخنانی گفته بود: «تعدادی از رهبران در اروپا از عباراتی مانند نسل‌کشی استفاده می‌کنند و این امنیت ما را تهدید می‌کند! یهودستیزی دلیل این است که اسرائیلی‌ها در هیچ کجای دنیا احساس امنیت نمی‌کنند. در هفته‌های اخیر، چندین حادثه در چندین سفارتخانه اسرائیل، بویژه در اروپا، رخ داده است.»

استفاده از کلیدواژه یهود ستیزی، اروپایی‌ها، تمام جهان و... دقیقاً برای القای همین تصویر است که بگویند ما همیشه تنها و مورد حمله بوده‌ایم.

با به‌طور مثال نتانیاهو در واکنش اش به غافلگیر شدن از توافق ترامپ با انصارالله گفته بود: «اسرائیل به نتانیاهی از خود در هر مکان و ضد هرگونه تهدید دفاع خواهد کرد.» صهیونیست‌ها همواره سعی دارند خود را تنها و طلبکار در مقابل جهان، بالاخص اروپایی‌ها نشان دهند. رفتاری که البته ریشه در نوع ماهیت هویتی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی هم دارد. شکل‌گیری رژیم صهیونیستی یک مؤلفه جدی داشت و آن این بود که همه جهان فلسطین، ایدیه ملی‌انسان است، تنها جای امن برای این قوم، سرزمین فلسطین است و به این سرزمین مهاجرت کنید! یکی از پیامدهای نیست، فلسطین است و همه جای جهان از وطن ما برای آنها امن‌تر است. اقدامی که دقیقاً نقطه مقابل تلاش صهیونیست‌هاست و سعی هستند که همه دنیا با آنها مشکل دارند و یهودستیزی دنیا را فراگرفته است و تنها سرزمین‌های اشغالی به برای آنها امن است. برهم‌زدن این بازی صهیونیست‌ها نیاز به دقت زیادی از سوی طرفداران فلسطینی در جهان دارد و نباید بهانه دست آنها داد.